

طالع و شبیه درجه مربع را در تقویم بواسطه استدلال بر فتنه و هبوط  
 مخصوصا مینویسند مثلا در هر وقت که شبیه درجه مربع بحرم ظل  
 یا شعاع تریس و مقابله او که در صورت طالع باشد برسد یا بگذرد  
 از او تا د طالع حکم کنند بر اینکه در آنوقت فتنه روی نماید  
 خاصه که در صورت طالع یا قریب آن متقابل یا تریس نحسین  
 واقع شده باشد و اگر بحرم ششمی یا شعاع ثلث و قید آن  
 رسد حکم به تخفیف فتنه و فساد نماید آنچه را که تا حال در خصوص  
 شبیه درجه طالع و شبیه درجه مربع گفتیم موافق اصطلاح قوم بود  
 و چون مقصود از وضع این رساله تفهیم و تفهیم است بهولت  
 لهذا این مطلب را مرتبه دیگر عبارتی واضح تر ادای کنیم  
 تا عرض شود است زود و میگوئیم در زمان تحویل شمس به برج  
 حمل فرود هر برجی که باشد درجه آن برج را از زمان اجتماع

قبل از تحویل ملاحظه نموده که در کدام درجه از کدام برج است  
 و آن درجه را سیرداد و همان سیر طبیعی وضعی خود و آن را  
 بصورت برج طالع در آن وقت فرض نموده و باین نسبت  
 آنرا درجه طالع خوانند یعنی ششپه بدرجه طالع پس در سیر خود  
 هر یک از موارد احکامات رسد حکم آن را جاری کنند و  
 همچنین است در مریخ و سیر این صورت مفروضه مانند سیر  
 شمس است پس اگر این صورت را نظر مقابله یا مقارنه یا  
 تدبیس یا تریس یا تثلیث حاصل کرد و باین یکی از کواکب  
 احکامات هر یک را بر آن مجری دانند و همچنین اگر گذر کند بر  
 محل هر یک از آن کیفیات که بالنسبه باین کواکب اتفاق  
 افتاده باشد با اثر آن حکم ملزوم باشد و سیر درجه مریخ نیز  
 از همین قرار است و در تقویم در ذیل سیر درجه طالع سه رقم

ثبت کنند رقم اول اشاره بمرج است دوم اشاره  
 بساعت است سوم اشاره بدقیقه و متصل باین جدولی کشند  
 و در آن مرورات را نویسند یعنی نسیر درجه طالع بکدام یک از  
 محال نظرات کواکب عبور کرده و چون بروج را بحسب تسیر  
 درجه طالع تقسیم کرده اند بر تمام سیارات سبده و هر یک  
 را قسمتی از آن داده اند و مقدار قسمت مندرج در تحت قاعده ثبت  
 که بتوان بیان کرد و اگر کسی خواهد مقدار را بدین جوع کند با اول تفهیم  
 در جدولی که در مضمیر بیان را بیان کرده اند و متصل بجدول مرورات  
 جدولی کشیده قواسم را یعنی قسمت هر یک از سیارگان را  
 از تسیر درجه طالع بیان کرده و بیک رقم که اشاره بستاره  
 گان است جدول شانزدهم از جدولی که  
 ارباب تفهیم در این زمان اختراع کرده اند آن است که

در آخر نصف قمری جدونی کشیده و ظهر حقیقی با غایت وسطی  
 در آن معین میکنند اما مراد از ظهر حقیقی آن است که آفتاب  
 برسد بدائرة نصف النهار و علامت وصول بدائرة نهار است  
 که مقیاسی نصب کنند با مراعات قواعد بند سیم پس  
 چون آفتاب بر آن مقیاس ناید ظلی از آن حاصل کرد پس  
 اگر مقیاس واقع است در خط استواء در نقطه اعتدال یعنی  
 ظل آن در وقت طلوع آفتاب مستطیل و مائل مغرب باشد  
 پس خورده خورده طول آن کم شود تا وقتیکه بالمره ظل  
 معدوم گردد آن را ظهر حقیقی خوانند پس باز سایه ظاهر شود  
 مائل سمت مشرق در غایت قصر و آن وقت از و ال گویند  
 و کم کم مستطیل شود تا وقت مغرب که بواسطه غروب شمس  
 معدوم گردد پس چون شمس میل پیدا کند سایه آن مقیاس جنوبی

خواهد شد و چون بدائرة نصف النهار رسد ظل جنوبی حاصل  
 کند و باختلاف میل طول و قصر ظل مختلف شود و چون شمس  
 با اول سرطان رسد میل کلی باشد و کم کم میل کم شود تا وقتی که  
 با اول نقطه اعتدال خریفی رسد باز در نصف النهار ظل معدوم  
 گردد و پس بعد از آن شمس میل جنوبی کند و ظل مقیاس شمال  
 و روز بروز از طول شود تا اول جدی که سبیل کلی جنوبی است  
 و شمس اوج شود و ظل مقیاس اقصی گردد تا اول نقطه اعتدال  
 ربیعی که ظل مقیاس عند الزوال معدوم شود و اگر مقیاس عرض  
 شمالی داشته باشد باین معنی که دور از خط استوا باشد  
 در طرف شمال از قسم خارج نخواهد بود یا عرضش کمتر باشد  
 از سبیل کلی که عبارت است از بعد معدل از دائرة منطقه  
 البروج مقدار مثبت و درجه مثبت و هشت دقیقه و بعد

منطقه‌تین زیاده از این قدر نخواهد بود و یا عرضش بیشتر و یا  
 مساوی است پس اگر کمتر باشد ظل مقیاس در وقت  
 وصول شمس بدائرة نصف النهار و در تمام سال معدوم  
 شود یکی از اینک شمس مجازی شود بان مقیاس در  
 زمان تکثیر میل یکی در وقت محاذاة در صورت تعلیل  
 و قبل محاذاة اولی و بعد از محاذاة ثانیة ظل نصف النهاری مقیاس  
 شمالی شود و بعد از محاذاة اولی و قبل از محاذاة ثانیة ظل آن  
 جنوبی باشد و اگر عرض مقیاس بیشتر باشد ظل مقیاس  
 دائمی شمالی خواهد بود و هرگز جنوبی حاصل نکند و معدوم  
 نکردد و اگر مساوی باشد عرض آن با میل کلی یعنی  
 عرض آن تقریباً بیست و سه درجه و بیست و هشت دقیقه باشد  
 ظلش شمالی است و در روز باز در تمام سال معدوم شود

تعلیل

یا

یکی روز آخر جوزا در زمان مرور شمس از محاذ او آن و یکی  
 روز اول سرطان که زمان معاودت شمس است از محاذ او  
 آن این اقسام ثلثه و کیفیات بنا بر آن بود که مقیاس عرض  
 شمالی از خط استواء داشته و اگر عرض جنوبی داشته باشد  
 عکس تمام آنچه از ظل نصف النهاری مقیاس شمالی گفته شود  
 آن جاری است این تحقیق ظهیر حقیقی و علامت آن در هر نقطه که واقع  
 باشد و اما امر او از ساعت وسطی آن است که چون کلیه ای را این  
 ساعت خود را در وقت غروب آفتاب کوک میگردند و مناط  
 ابتداء زمان شبانه روز را آنوقت قرار داده و بان زمان  
 منتهی میدهند و بالبداهه از ساعات اختلافی پیدا  
 می شد که مثلاً آن اختلاف از اختلاف طول و قصر شب و روز  
 بود و لهذا ان المنجمین بحکم الملک که مرجع ریجات در حدیث

مملکت ایران و در حد عصر خویش تن اندریم فرنگیان را در  
 میزان مناظر استدار و انتهاء روز و شب موافق قواعد  
 دانسته و کوکب ساعت را وقت نصف النهار اوقتی دیده  
 و آن را ساعت وسطی نام نهاده و اول چند می اقامه نموده  
 بر عدم خطا و تغیب بر ساعات اگر در این وقت کوکب شود  
 پس مقصود از این جدول که سبب نویسد ظهر حقیقی ساعت  
 وسطی معلوم شد **جدول هفتم** بدانکه  
 در اول تقویم در صفحه سیم و چهارم که واقع است طرف  
 صفحات شمسی و قمریه جدولی در تقویم رسم گشتند و در  
 آن هفت چیز را که راجع است بر وقتیه طالع مرقوم دارند و در  
 جدول اول که فوق جدول مرسومه در این جدول است از  
 ایام هفته شبی را نویسد که در آن شب ماه دیده می شود



باین طریق که لام را که اشاره به لیل است متصل کنند  
 بر مزدی که آن شب شب است مثلا اگر ماه جمعه  
 مرئی شود باین نحو نویسند لو یعنی لیل جمعه و شب  
 شنبه را باین نحو لو و هكذا آخر ایام هفته و در جدول  
 دوم اسامی ماه بارانویسند و آنست که شود در این ماه است  
 که شب جمعه موافق رقم فوق مرئی خواهد شد و در آن فلان  
 شب و هكذا آخر شهر و در جدول چهارم دو چیز را نویسند  
 یکی بعد معدل و یکی بعد سوی و دانستن این دو مطلب  
 موقوف است بر فهمیدن تخیلی و آن این است که اهل فن نجوم  
 قمر را مرئی ندانند مگر بعد از حصول دو شرط اول بعد  
 معدل و بواسطه آن پسند و بلندی که از آن دو تعبیر  
 بار تقاع و انحطاط میکند و کثرت و قلت مکت قمر را

فوق الارض استنباط نمایند و به استقراء تمام و تجربه  
 واحتمال بار معلوم شده که بعد معادل باو امیکه بده درجه زین  
 قمر مرئی نشود و مراد از بعد معادل ارتفاع اوست از افق  
 بهر مقدار یک باشد زیرا که این ارتفاع بحسب اجزاء دایره معادل  
 آنها را حاصل میشود چنانچه برای این اصطلاح مطلب واضح است  
 پس اگر آن بعد مقدار درجات مذکوره تقریباً رسید  
 مرئی است و الا فلا شرط و دوم حصول بعد سوی است  
 که بواسطه آن روشنی و تاریکی قمر را استخراج میکنند  
 و مراد از آن دوری بین الکرکسین است بعد از نقطه اجتماع  
 و نیز معلوم شده که اگر بعد نیرین از یکدیگر بقدر ده درجه شود  
 قمر مرئی باشد و الا فلا پس اگر بعد معادل و بعد سوی هر دو  
 بمقدار ده درجه باشد قمر قطعاً مرئی است و اگر هر دو کمتر

باشند ازوه درجه قطعا دیده نخواهد شد و اگر یکی از آنها بدین  
 مقدار باشد آن دیگری از دو قسم خالی نخواهد بود که کمتر است یا  
 زیاده پس اگر کمتر باشد به نیم درجه احتمال رؤیت میرود و بنا  
 بر بعضی از اقوال در این باب و اگر از آنها کم تر باشد دیده  
 نخواهد شد و اگر زیاده باشد اتفاقا محتمل است مرنی شود و  
 فوق این جدول یک بعد معدل و بعد سوی را در آن می  
 نویسند جدولی رسم نموده درجات و دقائق هر یک از  
 بعدین را در آن ثبت نمایند با اندک فصلی که معلوم شود این رقم  
 رابع است به بعد معدل و آن دیگری به بعد سوی و در جدول  
 ششم و مطلب بارقم کنند یکی درجات ارتفاع قمر از  
 افق در وقت غروب آفتاب اگر چه بعد معدل عبارت از همین  
 مطلب است زیرا که معلوم شد که مقصود از بعد معدل ارتفاع

قمر است از افق بحسب اجزاء و اثره معدل النهار ولی چون  
 آفاق در رؤیت مختلف اند از امکان است که بعد  
 معدل بحسب واقع و درجه باشد لکن ارتفاع قمر از افق بحسب  
 این نقطه از کوره بسبب کرویة ارض و جیلوله اجزاء آن بین  
 رانی و مریخی یکدرجه باشد مطلب دیگر که در همین جدول ضبط نمیشود  
 درجات انحراف قمر است بصمت شمال یا جنوب و ذکر آن  
 دو فایده دارد اول سهولت رؤیت چه اگر شخص بداند این  
 طالع در این شب جنوبی است یا شمالی و درجات انحراف  
 را بداند البته زودتر محل طالع را عین استهلال پیدا کند و  
 هر چند درجات انحراف بصمت شمال بیشتر باشد و  
 رؤیت سریع باشد و هر چه منحرف بجانب جنوب باشد  
 دیرتر مریخی شود و تشرش آن است که هر چند انحراف جنوبی زیاد

ع  
 شود

شود لا محاله بالنسبه با فاق شمالی دور تر شود و کرویة ارض  
 چنان اقتضا میکند که مانع زیاده شود بین رانی و سرئی بکلاف  
 انحراف شمالی فایده دوّم که مترتب است بر بیان درجات  
 انحراف آن است که شخص متخّم هر گاه فی الجمله دارای فن جغرافیا  
 باشد و طول و عرض بلاد را بداند و بعد از فقیهین را بدست  
 آورده باشد از روی قواعد جغرافیة و طول و عرض هر بلد را  
 نسبت دهد بعرض و درجات انحراف پس سفید که  
 در فلان بلد فلان شب هلال مرئی و در فلان بلد فلان شب  
 دیده خواهد شد و بگذارد در سایر بلاد و مخفی نماید که این انحراف  
 که در تقویم در همین جدول ذکر میکنند بحسب مغرب سرور  
 است نه بحسب مغرب اعتدالی بلکه انحراف مغرب اعتدالی  
 را در اصطلاح عرض میگویند و عرض چه جنوبی و چه شمالی زیاده

از پنج درجه و دو دقیقه خواهد بود و حال آنکه گاه باشد در  
 جات انحراف به پانزده و زیاده برسد پس گاه باشد که  
 درجات انحراف و عرض مساوی باشند و این در صورت  
 که درجات انحراف بومی از پنج درجه و چند دقیقه که حد عرض است  
 زیاده نباشد و فوق این جدول که در آن درجات ارتفاع  
 و انحراف را نوشته اند جدولی است که در آن مقدار هر  
 یک را معین کرده اند با مراعات آنکه فاصله که معلوم شود  
 کدام راجع است به ارتفاع و کدام مقدار انحراف است و در این  
 این جدول جدولی است که در آن حکم را استنباط کرده  
 ثبت میکنند ویری و لایری و عباراتی دیگر که قریب  
 بهمین معانی باشد ثبت نمایند و الله العالم بجهات الامور  
 جدول هفتم در توضیح بعضی از توجیحات

که در جدول توقیعات بحسب شهر عربیه ثبت میگردد و باقی  
 جمیع توقیعات موافق تاریخ عربی را اجمالاً مرقوم داشته  
 ایم و این جدول را مخصوص میکردانیم به توضیح مشکلات  
 آن پس میگوینیم مراد از آیام معدودات ده روز اول  
 محرم است و اکثر غسرتین آن را آیام رمضان المبارک تفسیر  
 کرده اند و بعضی آیام روزه که در اول اسلام فرض بوده  
 است و بعد از فرض روزه رمضان منسوخ شده که روز  
 عاشورا باشد و سه روز از بهزایهی و وجب تسمیه آن بمعدودات  
 است بحسب قلت است و دیگر از اقامات جدول توقیعات  
 عاشورا است که روز دهم محرم است و آنرا عشور نیز گویند  
 بخذف الف و گویند این روز قبل از وقوع کربلا محترم بوده  
 و در اخبار آمده که کشتی نوح در این روز با تمام رسید

و نور بصر یعقوب علیه السلام در این روز معاودت نموده  
 و خلاصی حضرت ایوب از بیماری و غرق شدن فرعون  
 و قسبتیان در رود نیل و نجات بنی اسرائیل در این روز  
 واقع شده و روز شهادت حضرت سید الشهدا سلام الله  
 علیه است و دیگر از اقامات این جدول لیلۃ الرغانب است  
 و آن شب جمعا اولین ماه رجب است و دیگر از اقامات  
 روز استفتاح است که هر که در این روز از خدا استعانه  
 طلب فتح و نصرت کند مقصود وی حاصل گردد و در  
 این روز بود که مرغ ابابیل با سر رب حلیل دفع مضرت  
 اصحاب فسیل نمود و ترویج حضرت صدیق کبری فاطمه  
 زهرا با حضرت شاه ولایت علی مرتضی سلام الله علیهما  
 در این روز شد و آن روز پانزدهم رجب المرجب است



و اعمال و اورادی مخصوص این روز است که مرحوم مجلسی  
 اعلی اللہ تعالیٰ در کتاب زاد المعاد بیان فرموده است  
 البراقه شب پانزدهم شهر شعبان است چنانچه علامه ملک  
 و سلاطین راقعه است که چون کسی از رعایا خرج  
 خود را ادا نماید نوشته باود بیند بدین مضمون که فلان  
 خرج مال خود را بالتمام مبارکسایند و آن نوشته را بر آب  
 خلاصی میکوبند و همچنین پروردگار مجید میفرماید که بجز آن  
 نیکان از آتش برائی نویسند و بعضی بر آنند که در این شب  
 نسخه آجال مردم را به ملک الموت تسلیم می نمایند  
 لیلۃ القدر شب بیست و نهم ماه مبارک رمضان است  
 و مخفی نماید که خداوند تعالی دو شب را از شبها برگزیده یکی شب  
 برات و دیگری شب قدر لکن شب برات را ظاهر ساخت

و شب قدر را محبوب گردانید شق القمر و آن شب نیز در هم  
 شوال است و این معجزه حضرت خاتم النبیین است که بخواب  
 پیش ابوجهل این معجزه را بظهور رسانید باین طریق  
 که با شاره سبابه مبارکش ماه را بدو نیمه ساخت تقسیمیک  
 نیمی بر جای ماند و نیمه دیگرش در تمام عالم سیر کرد  
 و باز با نیمه دیگر ملحق گردید و اشاره باین معجزه شریفه عظیمه است  
 آنچه پروردگار مجید فرماید بسم الله الرحمن الرحیم  
 اقربت الساعة والشق القمر وان یروا آیه یرضوا ویقولوا سحر  
 مستر ایام معلومات ده اول ذی الحجه است یوم التروی  
 هشتم ذی الحجه است و ترویبه در لغت بمعنی آب دادن است  
 و تسمیه این روز به ترویبه بجهت آن است که حجاج بیت الله  
 الحرام در این روز شتر و سایر چهارپایان خود را آب میدهند

و بعضی بر آنند بجهت خوابی است که حضرت خلیل علیه السلام در  
 باب قرآن نمودن حضرت اسمعیل علیه السلام دیده بود و تا سه  
 روز منتفک بود که چه کند یوم العرفه نذر ذی الحج است  
 و عرفات نیز اسم وضعی است در مکه و آن روز را عرفه گویند  
 جهت آنکه آدم و حوا علیهما السلام آن روز یکدیگر را شناختند  
 و آن مکان را عرفات گویند بدین مناسبت که در آنجا یکدیگر  
 را شناختند و بعضی گویند آن روز را عرفه گفته اند جهت آنکه حضرت  
 خلیل حقیقت خواب خود را شناخت و یقین کرد که این  
 خواب از جانب پروردگار مجید است ایام التشریق روز  
 یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ماه ذی الحج است و به  
 شمیر بجهت آن است که تشریق بمعنی خشک کردن گوشت است  
 در آفتاب و مساکین که در این روزها گوشت قربانیه

که بدست می آوردند شک می نمودند یا بجهت آن است  
 که استشرق بجانب مشرق رفتن است در این روزها  
 حجاج بعد از اداء مناسک حج اکثر بجانب مشرق میروند  
 غدیر خم نیز حج است چنانچه بنا بر ثابت شده  
 است چون پیغمبر خاتم صلی الله علیه و آله از حجه الوداع مراجعت نمود  
 در موضعی که آن را غدیر خم گویند نزول فرمود و امر نمود تا  
 چهار شتران را بر زبرهم نهادند و بجای سببر بالای آنها  
 صعود داد و دست مبارک حضرت سلطان اولیا علی  
 رضی سلام الله علیه را بگرفت و بفرمان خداوند تعالی آنحضرت  
 را خلیفه و وصی خویش نمود و تمامی اصحاب آنحضرت این  
 کردار را چشم دیدند و این گفتار را بگوشش خود شنیدند و هرگز  
 تا حاضران مرغائبان را از آن واقعه کهی نخبند تا جای سخن از برآید

احدی نماز فالحمد لله الذی جعلنا من الممتکین بولایت  
 ایام البیض روز سیزدهم و چهاردهم است از هر  
 نامی یعنی ایام الیالی آنها سفید است چونکه این شبها  
 از اول شب تا صبح ماه تاب است و دیگر آنکه از حضرت  
 شاه ولایت سلام الله علیه مروی است که چون حضرت  
 آدم علیه السلام از بهشت بیرون شد هیچ سقف و پوشی  
 در دینی نبود آفتاب بر بدن مبارکش تابید اعضایش  
 سیاه شد حضرتش از آن حالت دلنگت کرد و بدو رکعت  
 خداوند تضرع آغاز کرد در حال جبرئیل با امر خداوند جلیل فرود  
 شد و بعرض آنحضرت رسانید که اگر خواهی این رنگ  
 سیاه به سفیدی مبدل شود سه روز روزه بدار و اول آن سه  
 روز سیزدهم بود ثلث بدنش سفید شود روز

چهاردهم ثلثی دیگر و روز سیزدهم که سووم روزه اش بود  
 تمام بدن آنحضرت سفید شد و ازین سبب است  
 که این ایام مسمی گردید با ایام البیض روز مبارکه و خاتم نخبی  
 روز بیت و چهارم ذی الحجه است موافق بعضی از روایات  
 و مبارکه روزی است که رضای نجران خدمت حضرت  
 ختم المرسلین آمدند و خیال مکالمه با آنحضرت داشتند  
 که حقیقت مذہب خویش را ثابت نمایند و آیه مبارکه فقل  
 تَعَالَوْا نَدْعُ آبَاءَنَا وَآبَاءَكُمْ وَنَسْأَلُكُمْ وَالنَّفْسَ وَانْفُسَكُمْ  
 که آیه شریفه مبارکه اش میگویند نازل شد و خاتم نخبی  
 روزی است که امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب سلام الله  
 علیه در حالت رکوع انگشتری خویش را بانی عطا فرمود  
 و آیه شریفه انما ولینکم الله ورسوله در شان حضرتش نازل شد

این بود اسرار تفسیری بعضی از مطالب بحسب تاریخ عرب  
 جدول نوزدهم وقایع ایام است  
 موافق تاریخ رومی که در جدول توقیعات تقاویم می نویسند  
 از جمله صوم کبیر است و آن روزه فریضه نصاری است که  
 هفت هفته باشد ولی آنچه خداوند بر امت عیسی علیه السلام  
 روزه واجب کرده یک ماه است چون ایام روزه ایشان  
 فصل ثامن افتاء از کرمی هواز یاده بر آنها منقبت  
 علماء آن قوم آن ماه را <sup>بفصل</sup> ربيع اند ختم کرده روز بر آن  
 افزودند که ثلاثی تغنی حکم خدا را کرده باشند و همچنین هر  
 قومی از آنها برور ایام چیزی بدان افزودند تا عدد ایام صومشان  
 به چهل و ندر رسید و روز اول این روز همیشه دو شب است  
 و یک شب و شب نهمی است و آن روز و شب را شب نهمی

سوم کبیر در مفسر و سه روز است که پیش از فطر این روزه است  
 و در این روز حضرت یونس علیه السلام از شکم ماهی بیرون  
 آمد و فریاد که آن را مینوی گویند و شکرانه مردمی که آن حضرت را  
 دیدند سه روز روزه گرفتند سعائین روز یکشنبه  
 چهل و دوم روزه کبیر است که گویند عیسی علیه السلام در این  
 روز بر دراز کوشی سوار شده بر بیت المقدس درآمد و  
 مردمان را بشرف دعوت شرف ساخت  
 پنجم روز پنجشنبه چهل و ششم صوم کبیر است و پنجم  
 بمعنی رسکاری است چون در این روز حواریون بنابر  
 خواهش قوم از حضرت مسیح علیه السلام التماس کردند  
 مائده نازل شود و مائده خوانی بود از طلای احمد ساخت  
 چهل و هفتم زرع که در آن ماهی بریان با پنچ کرده مان و قدر



سرکه و نمک و سبزی و حواریین چون مشتق از تحویل است  
 یعنی تمییز بر آن دو از ده نفر که در مبادی بعثت حضرت عیسی  
 بدین عیسوی شرف شدند اطلاق از اینکه پیش از ملامت  
 با حضرت مسیح ملبس کیمهای پشمین سفید بودند و اسما  
 آنها چنین بوده است شمعون یحیی تو مان یوفناه مریم  
 فطرس نخلس یعقوب اندرانس فلمن یعفوس  
 سرخلس جموع الصلوات روز پنجم و بیستم صوم کبیر است  
 نصاری گویند عیسی علیه السلام را به دور روز پنجشنبه گرفتند  
 و روز جمعه بردار زدند و از این جهت روز بردار زدن عیسی را  
 جموع الصلوات گویند و لکن بموجب فرمود خداوند تعالی این مطلب  
 دروغ است که میفرماید و ما قتلوه و ما صلبوه و لکن شکی نیست  
 مخفی نماید که چون حضرت عیسی علیه السلام را بردار کشیدند